

دیپلماسی و نقش آن در تقویت امنیت بین‌المللی (مطالعه موردی دیپلماسی برجام)

رسول حدودی کشتیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۰

پرویز احدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲

محمد یوسفی جویباری^۳

چکیده

در دنیای امروز دیگر گریزی از تعامل نیست و دیپلماسی یکی از مهمترین ابزارهای دستیابی به تعامل است. هدف این مقاله بررسی تبیین نقش دیپلماسی در تقویت امنیت بین‌المللی، تبیین ویژگی‌ها و شاخص‌های متمایز دیپلماسی برجام (هسته ای) با دیپلماسی‌های دیگر، پیامدها و دستاوردهای دیپلماسی برجام در زمینه توسعه و برقراری امنیت بین‌الملل، بررسی شاخص‌ها و معیارهای دیپلماسی برجام (هسته ای) است. در این مقاله در پی پاسخ به این سؤال هستیم که دیپلماسی چه تاثیر و نقشی در تقویت امنیت بین‌الملل دارد؟ دیپلماسی برجام خطر یک مناقشه مسلحانه بزرگ را در منطقه از بین برد و به همین دلیل موجب تقویت ثبات، امنیت منطقه ای و بین‌المللی شد. در جریان مذاکرات طولانی این دیدگاه برتری یافت که مناسب‌ترین راه برون‌رفت از این وضعیت، همکاری با ایران است. برجام دارای اهمیت نظامی و سیاسی بالایی است زیرا خطر مناقشه را که ممکن بود ابعاد بین‌المللی پیدا کند، از بین برد. در این راستا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این نتیجه رسیدیم که جمهوری اسلامی ایران توانست، با پذیرش برجام، اعتماد قدرت‌های بزرگ و تأیید آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مبنی بر صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران را به دست آورد و به تقویت امنیت منطقه ای و بین‌المللی در راستای مبارزه با داعش و تروریسم منجر شد. کلیدواژگان: برجام، دیپلماسی، امنیت بین‌الملل، تروریسم و تعامل.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

^۲ استاد یار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استاد یار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

دولتها با هم روابطی روابطی دارند که به وسیله نمایندگانشان صورت می گیرد. در گذشته های خیلی دور تاریخ اقوام و ملل واحد نداشتند و در روابط خود هم به وسیله واسطه هایی که زبان دو طرف را می دانستند مذاکره می کردند روشی که به آن رسلملم گفته می شود به اینکار، فراست، موقع شامی حکومت و شخص عامل آن بستگی دارد که موفقیت و شکست دولتی را در روابط بین الملل تعیین می کند آنگونه که در معاهده زیبا ۱۲۲۹ میلادی تاریخ می نویسد امپراطور فردریک دوم، فلسطین، بیت لحم و ناصره را از سلطان الکامل پادشاه مصر، بدون خونریزی و با دیپلماسی هوشمندانه باز پس گرفت. می توان با همه خصایصی که ملت ها را تشکیل می دهند، موفقیت و شکست آنها در اعصار مختلف مرهون حس تشخیص و تدبیر زمامداران در برهه زمانی زمان خود می باشد.

در گذشته دیپلماسی بین کشورها بیشتر به موضوعاتی همچون روابط شخصی و خانوادگی پادشاهان دو کشور با یکدیگر یا مسئله جنگ و صلح مربوط می شد، اما در شرایط کنونی جهان علاوه بر آنها موضوعاتی همچون روابط تجاری، مناسبات فرهنگی و علمی نیز در محور مباحثات دیپلماتیک بین کشورهای مختلف با یکدیگر و بین آنها با سازمانهای بین المللی قرار گرفته است. دیپلماسی عمومی به دیپلماسی می گویند که مخاطبش عموم مردم یک کشور جاری باشد. در دیپلماسی عمومی اهداف بلندمدت دنبال می شود. دیپلماسی عمومی اصطلاح نسبتاً جدیدی است که در خلال جنگ سرد و به ویژه پس از پایان آن محبوبیت روزافزونی در میان سیاستگذاران، دانشگاهیان و اصحاب رسانه یافته است. دیپلماسی روش یا ابزاری برای پیشبرد موفقیت و دستیابی به هدف، معطوف به روابط خارجی، منحصر به مذاکره، گفتگو و شیوه های مسالمت آمیز است براین اساس دیپلماسی هسته ای یعنی به کارگیری ابزارهای مسالمت آمیز و مبتکرانه در تعاملات بین المللی برای حفظ، دفاع و تحقق اهداف هسته ای کشور است.

موضوع هسته ای ایران بدون شک یکی از مسائل مهم و استراتژیک بین المللی است که حل و فصل یا پیچیده تر شدن آن پیامدهای بسیار مهمی نه تنها برای مردم ایران بلکه برای کل مردم منطقه و همچنین در سطح بین المللی دارد. در واقع موضوع هسته ای ایران هم در سطح داخلی و هم در سطح منطقه ای و بین المللی دارای آثار و تبعاتی است که یکی از تبعات آن تقویت امنیت در سطح بین المللی است. زیرا امنیت یکی از دغدغه ها و مساله های بنیادی و هم بشر بوده و انان برای حفظ و صیانت از ان تلاش و کوشش های فراوانی به عمل آورده و جانهای بیشماری را نثار کرده اند انسان تنها در پرتو امنیت قادر خواهد بود با خاطری آسوده به کار و فعالیت اشتغال داشته و اندیشه های خویش را به کار اندازد. امنیت بستر نوآوری و اختراع بوده و انسانها در سایه امنیت توانسته اند در عرصه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، صنعتی، نظامی و غیره به رشد و شکوفایی نائل آیند. از اینرو این مساله ضرورت توجه به این امر مهم را مضاعف می کند که تقویت امنیت بین المللی از سوی جمهوری اسلاکی ایران، یقیناً یکی از مهمترین سازوکارها در عرصه دیپلماسی خواهد بود که میتواند با ارائه راهکارها و شیوه های مناسب در زمینه های اعتمادسازی متقابل با

کشورهای همسایه، توسعه امنیت و ایجاد همگرایی کارآمد و خنثی سازی تحرکات دشمن برای تضعیف امنیت، ارتقای سطح همکاری های امنیتی در منطقه و تقویت نهادهای امنیتی بین المللی، مفید و مثمر ثمر واقع شود. لذا یکی از ابعاد و مسأله ای که بایستی مورد تبیین قرار گیرد این است که دبلوماسية چه نقشی در تقویت امنیت بین المللی دارد؟ سایر سؤالاتی که در پی پاسخگویی به آنها در این مقاله هستیم عبارت است از:

- ۱- چگونه می توان از ظرفیت های دبلوماسية برجام برای ارتقای تقویت امنیت در صحنه بین الملل استفاده کرد؟
- ۲- توسعه دبلوماسية برجام چه پیامدها و دستاوردهایی در زمینه توسعه و برقراری امنیت بین الملل در پی خواهد داشت؟
- ۳- آیا می توان نقشی برای دبلوماسية برجام در برقراری امنیت بین الملل ثائل بود؟
- ۴- ویژگی ها و شاخص های متمایز دبلوماسية برجام (هسته ای) با دبلوماسية های دیگر کدامند؟
- ۵- آیا دبلوماسية ایران با مقتضیات و ظرف زمانیه مکانی تحویل جاری منطبق بوده و از پویایی و تحریک لازم برخوردار است؟

مفاهیم نظری

دبلوماسية در سیاست جهانی مفهومی کلیدی است. منظور از آن ، فرایندی ارتباطی برای مذاکره بین دولتها و دیگر بازیگران عرصه بین الملل است. از قرن ۱۵ به بعد دبلوماسية نه تنها فرایندی دائمی ، بلکه به فرایندی منظم و قاعده مند تبدیل شد و مجموعه ای از مقررات ، تشریفات ، حقوق ، امتیازات و معافیت ها برای دیپلمات ها و فعالیت های دیپلماتیک به وجود آمد. دبلوماسية در دنیای باستان آغاز شد ، اما از قرن پانزدهم به بعد با تاسیس نظام سفارتخانه های دائم به شکل قابل توجهی مدرن شده است (اسمیت و بیلینس، ۱۳۸۳: ۷۴۰).

دبلوماسية حرفه، فعالیت یا مهارت در روابط بین المللی است که معمولاً توسط نمایندگان یک کشور در خارج از کشور انجام می شود. این روزها نیروهای مولد خود را برای جلب توجه به آگاهی اجتماعی و هنجارهای قانونی توسعه داده است. این یک هنر واقعی است که در خدمت اهداف افراد و کشورهایشان است.

(Ikande, 2017: 1)

نهادی که اولین بار موضوع صلح و امنیت را در سطح بین‌المللی مطرح کرد، جامعه ملل بود. از این رو، برای اولین بار در تاریخ، تلاش شد تا ابزارها و راه‌های دستیابی به صلح بر اساس قوانین بین‌المللی شناسایی شود. چند رشته‌ای بودن دیپلماسی را می‌توان با تعریف آن به عنوان: توانایی مدیریت روابط بین دولت‌ها، علم یا هنر مشاهده کرد. (Cosmina, 2017: 279)

یک دیپلمات نماینده کشوری است که تجارت رسمی دیپلماتیک را در خارج از کشور انجام می‌دهد. مسئولیت‌های یک دیپلمات فردی به نقش خاص آنها بستگی دارد، زیرا طیف وسیعی از مسیرهای مختلف وجود دارد که آنها ممکن است از بین آنها انتخاب کنند. به عنوان مثال، برخی از دیپلمات‌ها بر روی عملیات اقتصادی تمرکز می‌کنند، در حالی که برخی ممکن است بر عملیات سفارت یا امور عمومی تمرکز کنند (learn, 2021: 15).

دیپلماسی نوین می‌تواند به محدوده‌ای دسترسی پیدا کند که دیپلماسی سنتی توان رسیدن به آن را ندارد. در دیپلماسی سنتی، هرچه دولت‌ها بزرگ‌تر و مقتدرتر باشند، قدرت مانور آنها بیشتر است در صورتی که در دیپلماسی نوین، کشورهای کوچک، نهادهای غیردولتی و حتی افراد می‌توانند بسیار تأثیرگذار باشند (ملیسن، ۲۰۰۵، ۱۷).

انواع دیپلماسی در روابط بین‌الملل عبارت است از: سیاست آرام‌سازی، دیپلماسی قایق‌های توپدار، دیپلماسی دلار، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی مردمی، دیپلماسی میانجی، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی دیجیتال (Ikande, 2017: 2-8)

اغلب اوقات، سیاستگذاران دیپلماسی عمومی را به عنوان باندازی در نظر می‌گیرند که می‌تواند پس از آسیب توسط ابزارهای دیگر اعمال شود. دیپلماسی عمومی را می‌توان به عنوان یک فعالیت دیپلماتیک تعریف کرد که در آن دولت آغازگر، عموم مردم هدف هستند و اقدامات سیاسی مربوطه، از جمله سیاست خارجی، از طریق مبادلات فرهنگی، تبلیغات رسانه‌ای و ابزارهای دیگر معرفی می‌شوند (Wei, 2019: 13-14). نمایندگان دیپلماتیک مسئول یک بحث یا مذاکره به صورت مسالمت‌آمیز هستند (learn, 2021: 13).

نقش دیپلماسی در تقویت امنیت بین‌الملل

کارکرد اصلی دیپلماسی تضمین روابط صلح‌آمیز و ایجاد امنیت در روابط بین‌کشورها است. این ممکن است شامل مذاکره در مورد معاملات تجاری، بحث در مورد مشکلات متقابل، اجرای سیاست‌های جدید و رسیدگی به اختلافات باشد. عواقبی که در صورت عدم برقراری روابط دیپلماتیک ممکن است به وجود بیاید می‌تواند بسیار جدی باشد - درگیری، خشونت، ناامنی و حتی جنگ. از سوی دیگر، پیامدهای فقدان گفتگو و مذاکره دیپلماتیک می‌تواند مواردی مانند نابودی کره زمین باشد - اگر رهبران جهان راه حلی برای مسائل مبرم پیدا نکنند (learn, 2021: 22).

دیپلماسی عمومی صرفاً یک کمپین روابط عمومی نیست. دیپلماسی عمومی همچنین مستلزم ایجاد روابط بلندمدت است که محیطی مناسب برای سیاست‌های دولت ایجاد می‌کند. سهم اطلاعات مستقیم دولت در روابط بلندمدت فرهنگی با سه بعد یا مرحله دیپلماسی عمومی متفاوت است و هر سه آن مهم هستند. اولین و فوری‌ترین بعد، ارتباطات روزانه است که شامل توضیح زمینه تصمیمات داخلی و سیاست خارجی است. این بعد شامل آمادگی برای مقابله با بحران نیز می‌شود. اگر پس از یک رویداد خلاء در اطلاعات ایجاد شود، دیگران برای پر کردن آن عجله خواهند کرد. بعد دوم، ارتباطات استراتژیک است که مجموعه‌ای از موضوعات ساده را ایجاد می‌کند، درست مانند یک کمپین سیاسی یا تبلیغاتی. در حالی که بعد اول با ساعت و روز اندازه‌گیری می‌شود، بعد دوم در طول هفته‌ها، ماه‌ها و حتی سال‌ها رخ می‌دهد. بعد سوم دیپلماسی عمومی، توسعه روابط پایدار با افراد کلیدی در طی سال‌ها یا حتی دهه‌ها، از طریق بورسیه‌ها، مبادلات، آموزش، سمینارها، کنفرانس‌ها و دسترسی به کانال‌های رسانه‌ای است. این برنامه‌ها چیزی را توسعه می‌دهند که روزنامه‌نگار آمریکایی، ادوارد آر. مارو، زمانی آن را «سه پای آخر» حیاتی می‌نامید - ارتباطات رو در رو، با افزایش اعتباری که عمل متقابل ایجاد می‌کند. (Nye, 2010: 5)

با نگاهی به بنیادهای علم سیاست و فرایند شکل‌گیری ادبیات روابط بین‌الملل، به آسانی می‌توان درک نمود که غرب مبدا دانش سیاسی بوده و این دانش را به صورت تئوریک و عملی نهادینه نموده است. به صورت غالب اندیشه‌ها و اندیشمندان حوزه تمدن غرب، فضای ذهنی سیاست‌پژوهان و سیاست‌مداران جهان را احاطه کرده است. از دوره‌های اسطور و تقدیر تا سفسطائیان، یونان باستان، امپراطوری روم، حاکمیت کلیسا، رنسانس و انقلاب‌های صنعتی، فکری و سیاسی همه در این حوزه ساخته و پرداخته شده‌اند. بر اساس این فهم و انقلاب‌های سرنوشت‌سازی همچون انقلاب روشنگری، صنعتی و سیاسی توانسته‌اند نظم غربی را هم به صورت تئوریک و هم به صورت عملی از طریق استعمار تطبیق کنند. در پی تحولات تازه در دهه‌های اخیر قرن بیست و قرن حاضر؛ آسیا دیگر قاره بی‌استعمار شده‌ای فقیر نیست که منابع آن فرصت توسعه یکجانبه را به غرب بدهد. در حالی که این قاره به مثابه رقیبی جدی برای سایر قطب‌های تولید ثروت و قدرت بین‌المللی تبدیل شده است.

این ظهور، روایت تازه‌ای از انتقال قدرت را در کنار فرایند انتشار قدرت (که بحران زاست) در شرق مطرح کرده است که نویسنده گان زیادی در باب آن به غرب هشدار داده‌اند و برای مدیریت این ظهور تدبیر سنجیده‌اند. فارغ از چشم انداز و تدابیر غربی برای مدیریت شرق، کشورهای آسیایی براساس مولفه‌های قدرت هر کدام اقدام به ساختن و پرداختن مولفه‌های تازه قدرت نموده‌اند. بر اساس این تحول، آیا شعور و فهم سیاسی غیر غربی مبتنی بر جغرافیاهای تمدنی بومی شرقی به وجود خواهد آمد؟ و یا قدرت شکل گرفته در شرق، منجر به تقویت دانش روابط بین‌الملل شرقی خواهد شد؟ بر اساس تعبیر میشل فوکو در بحث رابطه قدرت و دانش؛ صرفاً وجود قدرت معاصر در غرب زمینه حاکمیت دانش غربی در سیاست و روابط بین‌الملل شده است. با تحول در حوزه و مباحث قدرت، احتمالاً می

توان زمینه ظهور و تقویت دانش روابط بین‌المللی شرقی را هم شاهد بود. کشورهای اسلامی، هند، چین هر کدام مولفه‌های تمدنی تازه‌یی را در متن خود دارند که انسجام درون‌گفتمانی بیشتر آنها را به سمت داشتن الگوی تازه در روابط بین‌الملل مدیریت می‌کند. در میان این حوزه‌های تمدنی؛ اسلام در نتیجه تکثر و اختلاف در نگرشهای درون‌گفتمانی و تاثیر مدرنیسم، کمتر همگرایی را تجربه می‌کند و حوزه تمدنی شبه قاره هند نیز در نتیجه استعمار و همپذیری با رویکرد غربی بیشتر به ارزشهای جهانی نزدیک شده است، علی‌رغم اینکه تازه‌های خود را نیز دارد.

همانطور که متوجه شدیم، دیپلماسی بخش بسیار مهمی از روابط بین‌الملل است. در حالی که بیشتر برای خدمت به منافع کشورها یا دولت‌ها استفاده می‌شود، نتیجه نهایی یک جامعه بین‌المللی صلح‌آمیزتر و امن‌تر است. فعالیت‌های دیپلماتیک موقعیت و قدرت کشورهای مختلف را بدون خطر یا عواقب شدید به حداکثر می‌رساند و این امن‌ترین راه برای اداره تجارت و روابط بین‌المللی است. اگرچه دیپلماسی همیشه نمی‌تواند نوید دوستی بین کشورها را بدهد، حداقل معمولاً می‌تواند بی‌طرفی در مقابل خصومت را تضمین کند. (Learn, 2021: 28).

یکی از پیامدهای دیپلماسی عمومی را می‌توان کاهش تضادها دانست که یکی از کارویژه‌های سیاست خارجی می‌باشد (Melissen, 2007: 20). اگر کشورها بتوانند اطلاعات لازم برای تأثیرگذاری منطقه‌ای را تولید کنند و اگر این گونه اطلاعات در چهارچوب امنیت نرم افزاری سازمان دهی شود، طبیعی است که امکان تأثیرگذاری بر فرهنگ سیاسی و گروه‌های اجتماعی کشورهای رقیب وجود خواهد داشت. دیپلماسی عمومی نماد مقابله با نهادهایی محسوب می‌شود که عامل تهدید برای منافع قدرت‌های بزرگ تلقی می‌شوند. دیپلماسی عمومی می‌تواند در روند هنجارسازی سیاسی و امنیتی ایفای نقش کند. استراتژیست‌های حزب دموکرات آمریکا تلاش دارند تا شکل جدیدی از امنیت را از طریق حداکثر سازی ارتباطات و پیوندهایی بین‌المللی ایجاد کنند.

دیپلماسی برجام

دیپلماسی هسته‌ای ایران دارای سابقه و پیشینه‌ای ۱۹ ساله است. با نگاهی به این دیپلماسی در می‌یابیم که هرکدام از دولت‌ها رویکرد متفاوتی پیش گرفته‌اند. برنامه هسته‌ای ایران از سال ۱۹۵۰ به وسیله ایالات متحده آمریکا اصلی‌ترین مخالف فعالیت‌های کنونی ایران تاسیس شد و مرکز تحقیقاتی هسته‌ای تهران در سال ۱۹۶۰ به وسیله آمریکا ایجاد و تجهیز شد. این فعالیت‌ها که در سال ۱۹۷۴ با تأسیس سازمان انرژی اتمی ایران و امضای قرارداد ساخت نیروگاه بوشهر به طور جدی‌تر دنبال شد. پس از انقلاب ایران در سال ۱۹۷۹ برای مدت زمان بیش از بیست سال متوقف شد.

سوظن‌ها و حساسیت‌های بین‌المللی نسبت به فعالیت هسته‌ای ایران در دو دهه اخیر به طور گسترده‌ای شدت گرفت. دولت ایران که در سال ۲۰۰۳ متعاقب بیانه سعدآباد که با فرانسه و آلمان و بریتانیا منعقد نموده بود فعالیت

های هسته ای خود از جمله غنی سازی اورانیوم را تعلیق کرده بود. اما در سال ۲۰۰۵ مجدداً بخاطر عدم پایبندی دولتهای غربی به تعهداتشان این فعالیتها را از سر گرفت. با این وجود که دولت ایران بارها اعلام کرده بود که به فعالیت های صلح آمیز هسته ای می پردازد و به دنبال سلاح هسته ای نخواهد رفت، حتی مقام معظم رهبری با صدور فتوی در سی بهمن ۱۳۸۸ دستیابی به سلاح هسته ای را حرام شرعی اعلام نموده است. اما دولتهای آمریکایی و اروپایی بدون توجه به خواسته های دولت ایران دست به شدیدترین تحریم های مالی، نفتی، دارویی، حقوق بشری و ... علیه دولت و ملت ایران زدند. حتی برخی شیوه های متمایز از تحریم ها همچون ترور و شهادت دانشمندان هسته ای ایران و جنگ سایبری نیز برای مبارزه با برنامه هسته ای ایران مورد استفاده قرار دادند. این درحالی است که جامعه بین المللی و کشورهای دارای سلاح هسته ای نسبت به فعالیت هسته ای سایر کشورها عکس العمل درخوری نشان نمی دادند. برای مثال مقامات عربستان اعلام کردند که تا سال ۲۰۱۴ بیش از نیروگاه هسته ای خواهند ساخت که در این راستا قراردادهایی را در سال ۲۰۱۵ با شرکت روسی روزاتو و در سال ۲۰۱۶ با دولت چین منعقد نموده اند. یا دلت مصر که در سال ۲۰۱۵ قراردادی را با دولت روسیه در خصوص ساخت چهار راکتور هسته ای منعقد نموده است. روند پرونده هسته ای ایران با روی کار آمدن دولت جدید به ریاست حسن روحانی از اساس متفاوت شد. در این دولت پرونده هسته ای ایران از شورای عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه انتقال یافت. ترکیب هیئت مذاکره کننده هسته ای را تغییر داد. اولین حرکت دیپلماسی دولت یازدهم از نیویورک و سازمان ملل شروع شد. جایی که رییس جمهور برای شرکت در اجلاس سران کشورهای جهان به سازمان ملل سفر کرده بود و این سفر آغاز دیپلماسی دولت در موضوع هسته ای کشور بود. بلافاصله بهمن ماه همین سال دور اول مذاکرات موسوم به وین آغاز شد. پس از هشت سال نه دوره مذاکره فشرده سرانجام در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ برنامه جامع اقدام مشترک حاصل دیپلماسی هسته ای دولت یازدهم شد در پایان این دوره از مذاکرات سند ۱۵۹ صفحه ای موسوم به برجام منتشر شد (قیصریگی، ۱۳۹۸: ۸).

توافق برجام را شاید بتوان مهمترین توافق دو دهه اخیر دانست که ماحصل چندجانبه گرایی بین المللی و عبور از یکجانبه گرایی و استثناگرایی آمریکایی بود، توافقی که توانست نه تنها قدرت های بزرگ، بلکه جهان را در یک محور و آن هم دیپلماسی گرد هم آورد. به نحوی که هنوز برجام به عنوان مهمترین موضوع دیپلماسی مذاکرات دیپلماتیک مطرح می باشد. آنچه در دیپلماسی چندجانبه برجامی میان ایران و قدرت های بزرگ معنا یافت، ایجاد شرایط برد-برد یا به بیان دیگر برقراری درک مشترک، توازن در تعهدات و تضمین های عینی از سوی همه طرف های این توافق بود. این درحالی است که پس از دستیابی همه طرف ها به توافق برجام؛ شورای امنیت سازمان ملل به عنوان تنها مرجع رسمی از این توافق حمایت و با گنجاندن آن در حقوق بین الملل، عمل به برجام را به صورت قانونی الزام آور کرد.

زمانی که در اردیبهشت ۹۷ دونالد ترامپ رییس جمهوری وقت آمریکا اعلام کرد، واشنگتن از این توافق خارج می‌شود، جهان دیپلماسی با شوک ناشی از این سیاست دولت آمریکا، با وضعیت تازه ای روبه‌رو شد، وضعیتی که در آن یک کشور، یک گروه و حتی شخص خاص تلاش می‌کند تا بنیان‌های یک اجماع بین‌المللی و جهانی را به مرز فروپاشی سوق دهد. در همان زمان ایران و گروه شکل‌گرفته جدید موسوم به ۴+۱ تلاش‌های خود را جهت ایجاد اجماع حول حفظ برجام آغاز کردند، گفت و گوهای گسترده‌ای در سطح بین‌المللی و به ویژه در میان جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورهای باقی‌مانده در برجام جهت حفظ این توافق آغاز شد.

در حقیقت می‌توان گفت برجام ماحصل سال‌ها مذاکره میان ایران با قدرت‌های جهانی بوده است. این توافق فصل‌نویسی در روابط اتحادیه اروپا با ایران بعد از انقلاب گشود که توان تأثیرگذاری بر مناسبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی هر دو طرف را افزایش می‌دهد. در صورتی که اتحادیه اروپا در روابط خود با ایران حسن نیت نشان دهد، این توافق می‌تواند مثبت ارزیابی کرد و سبب افزایش امنیت نه تنها در سطح منطقه بلکه در سطح بین‌المللی گردد.

نقش دیپلماسی برجام در امنیت بین‌الملل

توافق هسته‌ای که به عنوان برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که در ۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ به امضای پنج عضو دائم شورای امنیت به اضافه آلمان از یک طرف و جمهوری اسلامی ایران از طرف دیگر رسید، به منزله نقطه عطف در تاریخ دیپلماسی عمومی نوین به شمار می‌رود که طی آن افکار عمومی جهانی تحت تأثیر قرار گرفتند و اهمیت مرزبندی افکار عمومی داخلی و خارجی کم رنگ شد که این ماحصل بهره‌گیری از ابزارهای نوین در طول مذاکرات هسته‌ای و استفاده از فرصت‌های دیپلماتیک به وجود آمده بود (فقیه‌لو، ۱۳۹۸: ۷۹).

از زمان تاسیس سازمان ملل متحد همواره موضوع حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و توسل به زور از نگرانی‌های اصلی جامعه بین‌المللی بوده است و اقدام برخی از کشورها در توسل غیرقانونی به زور یا تهدید به زور، نقض قواعد آمره بین‌المللی و منشور ملل متحد بوده و مشروعیت سازمان ملل را به خطر انداخته است. برجام نمونه‌ای از دیپلماسی صبورانه بود که می‌تواند الگویی برای مذاکره موفق و تقویت امنیت ملی به شمار رود.

روند دیپلماسی هسته‌ای برجام به‌گونه‌ای شکل گرفته که نشانه‌هایی از «اراده سیاسی» برای «نیل به توافق» را منعکس می‌سازد؛ همان‌گونه که ایالات متحده و کشورهای جهان غرب نیز چاره‌ای ندارند جز آنکه سازوکارهای انعطاف‌پذیرتری برای حل و فصل مشکلات ایجاد شده با ایران را در دستور کار قرار دهند. جهان غرب به این موضوع واقف است که قابلیت تاکتیکی و منطقه‌ای ایران برای اثرگذاری در محیط منطقه‌ای به گونه‌ای است که می‌تواند معادله بازی آمریکا را تغییر دهد. مذاکرات سال ۲۰۲۲ می‌تواند زیرساخت‌های نیل به توافق و اعاده حقوق اقتصادی و راهبردی ایران را در فضای برجام فراهم آورد. همکاری‌های متقابل ایران با آژانس و گروه ۴+۱ را می‌توان به عنوان

نشانه‌های ایفای نقش سازنده ایران در فرآیند دیپلماسی هسته‌ای برجام دانست. اگرچه موضوع امنیت بین‌الملل و دیپلماسی برجام تابعی از معادله قدرت و سیاست قدرت است، اما در این فرآیند لازم است کشورهای درگیر در مذاکرات ۱+۴ نسبت به ضرورت‌های حسن نیت و مساعی جمیله توجه داشته باشند. تحقق هر یک از اهداف موردنظر ایران در شرایطی صورت می‌گیرد که زمینه برای چانه‌زنی دیپلماتیک و به‌کارگیری قالب‌های تکنیکی و تاکتیکی از سوی ایران و سایر کشورهای گروه ۱+۴ در روند مذاکرات وین فراهم شود (متقی، ۱۴۰۰: ۱).

بایدن هم‌اکنون درصدد است تا شکل جدیدی از کنش دیپلماتیک را پیگیری کند که منجر به توافق دوجانبه و چندجانبه بازیگران شود. کاهش تعهدات برجامی ایران را نمی‌توان به منزله پایان دادن به دیپلماسی هسته‌ای دانست. نقض تعهدات آمریکا در دوران ترامپ را می‌توان در زمره عوامل ناپایدارکننده دیپلماسی هسته‌ای ایران دانست. تجارب دوره ترامپ برای بایدن و تیم سیاست خارجی آمریکا از این جهت اهمیت دارد که محدودسازی قدرت ایران از طریق سیاست اجبار حاصل نمی‌شود. همان‌گونه که ایران در برابر آژانس و قدرت‌های بزرگ متعهد به راستی‌آزمایی در مورد تعهدات خود است، سایر بازیگران نیز باید در فضای راستی‌آزمایی قرار گیرند.

دستگاه سیاست خارجی اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ‌کننده برجام و مذاکرات احیای برجام، همچنان متعهد است که هر کاری را که ممکن است انجام دهد تا این توافق دوباره به روند عادی برگردد. فرصت دادن به دیپلماسی برجام مهم است. تنها راه عملی برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، احیای برجام است.

«اتحادیه اروپا به عنوان هماهنگ‌کننده مذاکرات احیای برجام» بیشتر از «دولت ایران» مایل است تا هر چه سریعتر برجام «احیا» شود. احیای برجام از لحاظ امنیتی و اقتصادی اهمیت بیشتری برای اروپا نسبت به ایالات متحده دارد. دولت ایران نیز کاملاً بر این موضوع واقف است و به همین دلیل نقش میانجیگری اتحادیه اروپا و سه کشور امضاکننده اروپایی برجام، آلمان و فرانسه و بریتانیا، در هفته‌های آینده برای کسب یک توافق برای بازگشت آمریکا به برجام و زنده نگاه داشتن این توافق در راستای تقویت امنیت بین‌المللی اهمیت دوچندانی دارد. **برجام تنها یک معاهده سیاسی نیست، یک نقطه عطف تاریخی است و اقتصاد و منزلت و امنیت را در پرتو مناسبات منصفانه در ایران و نظام بین‌الملل جاری خواهد کرد.** (رضوی، ۱۴۰۰: ۳).

سازمان همکاری و امنیت اروپا، با ۵۵ عضو همچون: آمریکا، کانادا، کشورهای اروپایی، روسیه، کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی، یکی از نهادهای حفظ امنیت برای غرب در سطح جهانی است. همکاری‌های ایران و سازمان همکاری و امنیت اروپا می‌تواند برای هر دو طرف همراه با منافع باشد. این سازمان، مایل به برقراری امنیت در آسیای مرکزی، قفقاز، آسیای جنوب غربی و آسیای جنوبی است. اکثر این کشورها مسلمان هستند و ایران می‌تواند در این زمینه فعال باشد. امنیت منطقه و شکل‌گیری گروه‌های تروریستی قدرتمندی مانند داعش که می‌تواند امنیت اروپا و غرب را

تهدید کنند، خود زمینه همکاری میان ایران و اروپا خواهد بود؛ ایران به عنوان ریشه دار ترین دولت- ملت منطقه که از ثبات کافی نیز برخوردار است در منطقه ای که مشخصه اصلی آن سیالیت است، می تواند جای پای محکمی برای مهار تهدیدات امنیتی مانند داعش و برقراری ثبات منطقه ای باشد. هم اکنون، غرب به این نتیجه رسیده است که بدون همکاری ایران، امکان برقراری ثبات در منطقه وجود ندارد و در دوران پساتوافق که همراه با تنش زدایی میان ایران و غرب خواهد بود همکاریهای امنیتی در سوریه، عراق، یمن و افغانستان در دستور کار قرار خواهد گرفت و باعث تعمیق روابط خواهد شد؛ اگر چه سیاست هویت، همچنان موثر باقی خواهد ماند، اما منافع مشترک امنیتی طرفین را به همکاری سوق می دهد.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل دخالت های کشورهای همسایه خود، به وسیله توافق اتمی با یک مجموعه ی امنیتی قدرتمند و وسیع تر می تواند قدرت سیاسی خود را در مقابل همسایگان خود بهبود ببخشد. البته ایران باید بکوشد هم زمان با بهبود مناسباتش با اروپا با همسایگان خودش نیز به صورت دوجانبه مشکلاتش را حل و فصل کند و در مقابل اتحادیه اروپا می تواند از دستاوردهای این توافق برای ارتقای امنیت سیاسی اعضای اتحادیه استفاده کند. زیرا این اتحادیه در کنار حفظ روابط با سایر کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، قطر و ترکیه با توسعه و بسط همکاری ها با ایران می تواند، اثرات منفی ناشی از بحران های اخیر خاورمیانه را کنترل کند و تا حد امکان تأثیرات این بحران ها را بر امنیت سیاسی اتحادیه کاهش دهد. امروزه در برخی از کشورهای اتحادیه اروپا گروه ها و جریانات مخالف اتحادیه شکل گرفته است و خواسته ی آن ها خروج کشورشان از اتحادیه می باشد. که خروج بریتانیا از این اتحادیه به دنبال برگزاری همه پرسی در این کشور نمونه ای برجسته از آن می باشد. خروج تدریجی این کشورها از اتحادیه، تأثیر مخربی بر قدرت اتحادیه و ساختارهای سیاسی و اقتصادی آن خواهد داشت. (زاهدی و امینی، ۱۳۹۵: ۶۶) در نهایت، می توان گفت برجام که در نوع خود می تواند بسیار پراهمیت و سرنوشت ساز باشد می تواند با دورنمایی وسیع تر به تقویت جایگاه دیپلماسی در حل و فصل مناقشات منطقه ای از یک سو، و همکاری های راهبردی ایران و جامعه بین الملل و به ویژه کشورهای اروپایی در تقویت امنیت بین المللی منجر شود.

دپیلماسی برجام موجب شد که قدرت های بزرگ، روی نقش و نفوذ ایران در خاورمیانه به عنوان یک کشور استراتژیک حساب باز خواهند کرد و از این کشور برای مبارزه با تروریسم و حل مشکلات جهان استفاده کنند. از سوی دیگر توافق هسته ای و اجرای برجام، خطر جنگ برای ایران و قدرت های بزرگ را برطرف می کند. از نگاه قدرت های بزرگ، دیپلماسی برجام می تواند با عدم تولید سلاح هسته ای به امنیت منطقه و بین الملل کمک کند. به عنوان مثال تیم مذاکره کننده ایران با حضور در نشست های بین المللی مربوط به بحران سوریه، ضمن تأکید بر بی فایده بودن منازعه و فرقه گرایی در سوریه بر ضرورت اتخاذ راه حل سیاسی در حل نهایی بحران تأکید کرده است. (Eisenstadt, 2016).

کشورهای عربی منطقه نگران از کاهش تعهدات امنیتی آمریکا در فضای پسابرجام و همچنین رسمیت یافتن نقش رهبری ایران هستند. تجربه سقوط مبارک و بن علی در مصر و تونس این پیام را به سران کشورهای عربی داد که اعتباری به تضمین امنیتی آمریکا در حفاظت از سیستم پادشاهی‌شان نیست و واشنگتن متناسب با شرایط و تحولات جدید، دامنه دوستان و دشمنان خود را مشخص می‌کند. به گمان این کشورها، پذیرش ایران از سوی جامعه جهانی، دو تأثیر هم‌زمان را برای کشورهای بزرگ عربی در پی دارد. نخست اینکه از قدرت چانه‌زنی این کشورها نزد قدرت‌های برتر غربی جهت جلب حمایت‌های بیشتر سیاسی و نظامی برای بر عهده گرفتن رهبری منطقه و مدیریت منازعات کاسته است و از سوی دیگر ایران مهم‌ترین رقیب منطقه‌ای‌شان از جایگاه ساختارشکنانه در منطقه به ایفای نقش مسئولیت‌پذیر تغییر هویت داده است. (einhor, 2016).

عموم کشورهای درگیر با بحران داعش، چه بازیگران منطقه ای و چه فرامنطقه ای در سیاست خود در قبال تحولات این گروه، یا به صورت مقطعی و یا حتی مستمرا با مشکل تزلزل موضع مواجه بودند و ما شاهد هستیم که تنها مجموعه چهار کشور ایران، روسیه، سوریه و عراق بودند که بر راهبردی که از ابتدا اعلام کرده بودند و برنامه ای که داشتند، ثابت قدم ماندند. پایان کار داعش نه تنها یک مرحله جدید برای مباحث مربوط به امنیت منطقه و بین‌الملل است، بلکه ایران را هم در موضع افزایش اعتبار سیاسی در منطقه قرار خواهد داد که البته به هیچ عنوان مورد دلخواه برخی کشورها نظیر عربستان نیست. با از بین رفتن داعش، ایران دارای یک پشتوانه اعتباری بسیار عظیم در عرصه معادلات بین‌الملل شده نیز شده است (بروجردی، ۱۳۹۶: ۸).

جمهوری اسلامی ایران، امنیت و ثبات منطقه ای را امنیت خود تلقی می‌کند و به این مهم واقف است که ثبات منطقه ای و فائق آمدن به امنیت منطقه ای در قالب مبارزه و نابودی گروه‌های تروریستی مستلزم همکاری همه کشورهای منطقه ای می‌باشد لذا اعتقاد دارد که دفع و نابودی گروه‌های تروریستی بدون کشورهای منطقه ای امکان‌پذیر نخواهد بود. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران پس از گشایش نسبی در روابط خود با کشورهای غربی سعی دارد به سیاست تنش‌زدایی با کشورهای منطقه ادامه و این روند را تسریع بخشد تا بتواند در حل و فصل پرونده‌های مهم منطقه ای همچون فعالیت گروه‌های تروریستی و نحوه مدیریت و از بین بردن عوامل ناامن‌کننده در کشورهای حوزه خاورمیانه و منطقه نقش مثبتی را ایفا نماید. در این راستا دپلماسی برجام توانست با ارتباط گسترده تر ایران با برخی کشورهای غربی و یا حتی کشورهای منطقه ای به شکست داعش و تقویت امنیت بین‌الملل منجر شود.

از آنجا که موضوع اصلی این پژوهش دیپلماسی و نقش آن در تقویت امنیت بین المللی موضوعی نسبتاً جدید بوده و هنوز به تفصیل و در قالب یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد یا دکتری مورد بررسی واقع نشده است لذا اکثر مطالب در مقاله حاضر پژوهشی کاملاً نو و ابتکاری می باشد و همچنین در این مقاله دیپلماسی برجام به طور ویژه ای مدنظر واقع شده است.

تاکید بر مهارت دیپلماتیک دولتمردان و نه ایده های نظامیان، احساس نیاز اجتماعی ملتها به یکدیگر در بحران‌های مختلف، مسئولیت های مشترک جهانی در حوزه‌های زیستی و امنیتی و همچنین تمایل و نیاز به حفظ تعادل سیستمیک در عرصه بین‌الملل، ملت‌ها را به یکدیگر نزدیک‌تر و همپوشانی منافع آنها را گسترده‌تر خواهد نمود تا به نحوی که هرگونه آسیب پذیری کشورها را از جانب دیگری، به حداقل ممکن کاهش دهد. در بهترین حالت، مجموعه ای از استراتژی‌های متفاوت نسبت به دولت های مختلف، می تواند موجب اطمینان بخشی از عدم آسیب پذیر شدن از سوی دیگران است، مجموعه ای که برای حفظ تعادل بین ملت ها و منافع جمعی به کار گرفته تا بتوانند مسیر توسعه و پیشرفت و امنیت را در یک اجتماع بین المللی و نه شامل معدود کشورهای خاص شکل دهد، به نحوی که هرگونه آسیبی، همه کشورها را متضرر کند.

دیپلماسی شفاف شاید حیاتی ترین ابزار برای جلوگیری از درگیری و متعادل نگه داشتن دولت ها در اتخاذ سیاست خارجی متوازن باشد. آنچه روشن است در دنیای فناوری‌های پیشرفته اطلاعاتی و ارتباطی، اطلاعات و سیاست‌های دولت‌ها را نمی‌توان از دسترس دیگران مخفی نگه داشت یا با اتخاذ سیاست‌های خاص، انتظار داشت تا دیگران نسبت به آنها واکنشی بر اساس منافع خود نشان ندهند، با این حال برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم، دولت‌ها باید با شفاف سازی و ارتباطات مختلف، مانع از گسست روابط خود را با دیگران شوند و از اتخاذ بسیاری از سیاست‌های مخرب و دامنه دار علیه خود، ممانعت کنند، مسئله‌ای که نیازمند عدم پیش داوری و عدم اتخاذ رفتارهای غیر دیپلماتیک در روابط خارجی با کاهش نقش نظامیان خواهد بود.

وجود روابط مختلف و گسترش تجارت خارجی بین کشورها، از جمله عوامل موثر در گسترش صلح و توسعه کشورها به شمار می رود، به همان اندازه نیز این کشورها کمتر مستعد مشاجره یا انواع اختلافاتی خواهند بود که منجر به درگیری نظامی یا به انزوا کشیدن و یا عدم امنیت شوند؛ بنابراین دیپلماسی برجام نیز دارای آثار و تبعاتی است که یکی از تبعات آن تقویت امنیت در سطح بین المللی است.

هرگونه دیپلماسی در حوزه سیاست بین‌الملل ارتباط مستقیم با امنیت پیدا می‌کند. نگرش تعادلی برای کشورهایی مانند ایران در شرایطی اهمیت دارد و تحقق پیدا می‌کند که ایران بتواند از سازوکارهای مربوط به دیپلماسی به موازات

سیاست قدرت استفاده کند. ایران و سایر کشورهای درگیر دپلماسی هسته‌ای برجام به این موضوع واقف هستند که هرگونه توافقی امکان کنش ناپایدار کننده از طرف بازیگر رقیب را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. در نگرش ایران، سیاست ترامپ مشکلات بسیار مخاطره‌آمیزی برای امنیت بین‌المللی و یا منطقه‌ای به وجود آورد. به عنوان مثال الگوی رفتاری اسرائیل و عربستان به‌عنوان متحدان منطقه‌ای ترامپ در تشدید فشارهای فزاینده دولت آمریکا و ناامنی منطقه‌ای و بین‌المللی ایران و یا حتی ناامنی بین‌المللی نقش موثری داشت. ایران همان‌گونه که سیاست دفاعی خود را براساس تجارب دفاع مقدس به دست آورده، در حوزه دپلماسی هسته‌ای برجام نیز به این موضوع واقف است که باید از سازوکارهای تضمین‌بخش استفاده کند. فقدان تضمین در روابط بین‌الملل و الگوی رفتار متقابل بازیگران همواره چالش‌های جدیدی را برای کشورها به وجود می‌آورد.

منابع

استیو اسمیت، جان بیلینس، (۱۳۸۳). جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین (جلد اول)، زمینه تاریخی، نظریه‌ها، ساختارها و فرایندها، مترجم: ابوالقاسم راه‌چمنی. تهران: نشرات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

رضوی، سید مسعود (۱۴۰۰). برجام بر بستر تاریخ و دپلماسی، روزنامه اطلاعات

زاهدی، نسا؛ امینی، سعید، (۱۳۹۵). «تأثیر برجام بر همکاری‌های امنیتی اتحادیه اروپا و ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۰، پاییز.

فقیه لو، لیلا (۱۳۹۸). دپلماسی عمومی نوین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در قبال برجام. مطالعات روابط فرهنگی بین‌المللی، شماره ۱۳، زمستان.

قیصریگی، آیت (۱۳۹۸). مذاکرات هسته‌ای از ابتدا تا برجام. روزنامه آفتاب یزد.

متقی، ابراهیم (۱۴۰۰). ضریب امکان‌پذیری توافق، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره خبر: ۳۸۳۳۴۱۷

Ikande, Mary, (2017), Types of diplomacy in international relations, <https://www.legit.ng/1131145-types-diplomacy-international-relations.html>.

learn, Future, 2021, Exploring international relations: What is diplomacy? <https://www.futurelearn.com/info/blog/what-is-diplomacy>.

Melissen, Jan (2005), *The New Public Diplomacy: Between Theory and Practice*, The New Public Diplomacy, Part of the Studies in Diplomacy and International Relations book series.

Michael Eisenstadt (۲۰۱۶) *the Nuclear Deal with Iran: Regional Implications* Kahn Fellow and Director, Military and Security Studies Program, the Washington Institute for Near East policy.

Nye, , JOSEPH , (2010), *The New Public Diplomacy*. Project Syndicate.

Robert einhor (۲۰۱۶) *the Iran nuclear deal: prelude to proliferation in the Middle East?*

FOREIGN POLICY AT BROOKINGS

Wei, Cao, 2019, *Public Diplomacy: Functions, Functional Boundaries and Measurement Methods*, Submitted: December 8th 2019, Reviewed: April 27th 2020 Published: May 20th 2020, intechopen.

☐ Cosmina-loana Codrean, 2017. "Diplomacy. A Brief Analysis Of The Types Of Diplomacy," *Annals of Faculty of Economics, University of Oradea, Faculty of Economics*, vol. 1(2), pages 279-283, December.

